

عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی: شهر جدید بهارستان

مژده کیانی*

چکیده

هدف اصلی این مطالعه، شناخت عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی می‌باشد. این تحقیق سال ۱۳۸۷ در شهر جدید بهارستان اصفهان انجام شد. در این بررسی از نظریه وبر، کالینز، اینگلهارت و وایت استفاده شده است. فرضیه‌های تحقیق با داده‌هایی که به روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه به دست آمده‌اند، آزمون شدند. از ضریب همبستگی و رگرسیون چند متغیره، برای تحلیل روابط متغیرها و آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. نتایج رگرسیون چند متغیره نشان داد از بین تمام متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند، متغیرهای مدت ازدواج، محل سکونت هنگام ازدواج، سن، سن مرد هنگام ازدواج و شغل مرد معنادار بوده‌اند که بیشترین تأثیر را نیز بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی داشته‌اند.

کلید واژه‌ها: تصمیم‌گیری‌های خانوادگی، تقسیم کار خانگی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی،

مشارکت زنان

مقدمه و بیان مسأله

در همه جوامع مسأله مشارکت زنان و چگونگی مشارکت زن در خانواده به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطرح می‌باشد. اگر چه سطح و میزان مشارکت زنان در همه جوامع یکسان نیست، اما امروزه در ایران با افزایش تحصیلات زنان، تغییر در وضعیت اشتغال و تغییر در الگوی سکونت که منجر به سکونت در شهرها و مناطق جدید شده است، وضعیت مشارکت خانوادگی زنان بیش از پیش تغییر کرده است. شناخت عوامل تأثیر گذار بر مشارکت زنان در خانواده از مباحث مهم مطرح در حوزه خانواده می‌باشد. یک نسل پیش، پیوند میان زن و مرد مخصوصاً در ازدواج سنتی، عمدتاً بر اساس نقش‌های ثابت بود. در حدود یک نسل، تمام این‌ها تغییر کرده است و نقش زن و مرد آن چنان که در گذشته ثابت و مشخص بود، ثابت نیست. به بیانی فنی‌تر، شناخت ما از خود و هویت خود به صورت پروژه‌ای بازاندیشانه در آمده است. دگرگونی بزرگ دیگر به موقعیت در حال تغییر زنان و موازنه قدرت آن‌ها با مردان برمی‌گردد. جوامع ما از نظر روابط میان دو جنس، هر روز مساوات طلب‌تر می‌شود. امروز، قدرت زنان در زندگی خانوادگی بیش از هر زمان دیگری است. این دگرگونی، ساختاری است و ابعاد جهانی دارد. (گیدنز: ۱۳۸۴). بررسی روند تحولات میزان فعالیت زنان بر اساس اطلاعات منتشر شده به وسیله مرکز آمار ایران در سال‌های مختلف، نوسان‌های مشارکت زنان را نشان می‌دهد. بر اساس این بررسی فعالیت زنان که در سال ۱۳۶۵، ۸/۲ درصد بوده است در سال ۱۳۷۵ به ۱۲ درصد افزایش پیدا

mjdhkiani@yahoo.com

*. عضو هیات علمی دانشگاه پیام‌نور، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

کرده است. علی‌رغم وجود نوسان‌ها، روند نرخ فعالیت زنان از سال ۱۳۶۵ (۸/۲) تا سال ۱۳۸۴ (۱۶/۵) افزایشی بوده است. نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سال ۱۳۸۶ باندکی کاهش ۱۵/۶ درصد (مرکز آمار ایران: ۱۳۸۶) گزارش شده است. این پژوهش با توجه به روند تغییرات اجتماعی مذکور به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده می‌پردازد.

پیشینه نظری تحقیق

نظریه‌های وبر^۱ موقعت طبقاتی را ناشی از موقعیت در بازار کار می‌داند، یعنی گروه‌هایی که در بازار کار از نظر چانه زنی و قدرت در جایگاه مشابه قرار دارند، یک طبقه را تشکیل می‌دهند. در این نظریه نیز فرض بر این است که چون مردان در بازار کار به دنبال مشاغل می‌روند و رقابت می‌کنند، طبقه مفهومی مردانه است و زنان جایگاهی در آن ندارند (ابوت و والاس، ۱۹۹۰، ۱۷-۱۸).

اینگلهارت^۲ افزایش مشارکت در مغرب زمین را با سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی که تأکید کمتر بر نیازهای آنی طبیعی داشته و بر حق ابراز نظر تأکید بیشتری می‌ورزند، مورد تبیین قرار داده است (اینگلهارت، ۱۳۷۴: ۳۷۸). به نظر اینگلهارت، متغیرهای تحصیلات رسمی، موقعیت اجتماعی - اقتصادی، سطوح مهارت و اطلاعات، مهارت‌های ارتباطی، تجربه‌های شغلی، شبکه‌های سازمانی، تقلیل تفاوت‌های جنسی در وظایف اجتماعی و سیاسی بر افزایش مشارکت تاثیر گذاشته‌اند. بر اساس دیدگاه وایت^۳، نوع مشارکت و کارکرد مشارکت، در جدول ۱ طبقه بندی شده است.

جدول ۱: طبقه بندی مشارکت از نظر وایت (غفاری و نیازی: ۱۳۸۶: ۲۴)

مشارکت نوع	علائق مسولان	علائق مشارکت کنندگان	کارکرد
اسمی	کسب مشروعیت	ورود به فرایند مشارکت	نمایشی
ابزاری	افزایش کارآیی و تقلیل هزینه‌ها	کسب منفعت مادی	ابزاری
نمایشی	کسب پایداری	کسب نفوذ	ابراز وجود
تحویلی	توانمندسازی	توانمندسازی	ابزاری - غایی

وایت برای بیان وضعیت مشارکت اسمی، تجربه مشارکت زنان در زامبیا را عنوان می‌کند. تعداد زیادی از گروه‌های زنان از طریق بخش‌های مختلف دولتی طی چند سال گذشته تشکیل شده‌اند. اما اعضای این گروه‌ها در هیچ یک از نشست‌ها حضور ندارند. به هر حال علاقه آن‌ها به ورود به مشارکت فقط نام آن‌ها را بر فهرست ثبت نام شدگان نگه داشته است. در نتیجه این نوع مشارکت در سطح اسمی کارکرد نمایشی دارد. مشارکت ابزاری بعد از برنامه‌های تعدیل ساختاری مورد توجه قرار گرفته است. ازدواج مشارکت ابزاری در برخی از کشورهای آفریقایی قابل رؤیت است. هنگامی که

¹. Weber

². Inghart

³. White

سرمایه‌گذاری دولت برای امور زیربنایی در کشورهای آفریقایی به شدت کاهش یافت و از آن برای بهره‌گیری از نیروی کار و توان مالی مردم و تقلیل هزینه‌ها استفاده شده است. ازدواج و مصداقی از مشارکت نمایشی را می‌توان در بنگلادش نیز دید که یک سازمان غیردولتی بنگلادش در پی اجرای یک برنامه تعاونی بود. از مردم محلی خواسته می‌شود که در نشست‌ها و مباحث مربوط به تعاونی که به وسیله سازمان غیردولتی دنبال می‌شود، مشارکت کنند. در این جا مشارکت یک ابزار مؤثر برای بیان علایق بود و در عمل فعالیت اصلی و هدایت آن به عهده ارگانی غیر از افراد مشارکت کننده بود.

در مشارکت تحولی کسب اختیار و ورود به عرصه تصمیم‌گیری و مبارزه با بی‌عدالتی از طریق کنش جمعی مورد نظر است و کارکردهای غایتی و ابزاری دارد (وایت: ۲۰۰۰؛ ۶-۱۴۴ به نقل از غفاری و همکار: ۱۳۸۶).

کالینز^۱ از یک دیدگاه فردی به قضیه کشمکش نزدیک شده است. او رهیافت خود را بر اساس سه اصل بنیادی پایه ریزی کرد:

انسان‌ها در جهان‌های ذهنی خود ساخته‌ای زندگی می‌کنند؛

انسان‌ها قدرت تاثیرگذاری یا حتی نظارت بر تجربه ذهنی افراد دیگر را دارند؛

انسان‌ها می‌کوشند افراد دیگری را که با آن‌ها مخالفت می‌ورزند، تحت نظارت خودشان درآورند.

نتیجه همه این اصول بنیادی کشمکش بین افراد است (ریترز: ۱۳۸۴: ۱۷۳ - ۱۷۲).

پیشینه تجربی تحقیق

مطالعات درباره تصمیم‌گیری در زندگی خانوادگی نشان می‌دهد که مردان معمولاً در مورد منابع اقتصادی خانواده از قدرت برخوردارند. مردان اکثراً تصمیم می‌گیرند که اداره کلی امور مالی خانواده چگونه سازمان داده شود؛ چیزی که چارچوب بسیاری از جنبه‌های دیگر زندگی خانوادگی را تعیین می‌کند. در یک بررسی درباره مردانی که دارای مشاغل یقه سفید و حرفه‌ای بودند و همسران آنها، تصمیمات به تصمیماتی که زن و شوهر خیلی مهم می‌دانستند و تصمیماتی که مهم در نظر گرفته می‌شد، تقسیم گردید. بسیاری از تصمیمات خیلی مهم - به طور مثال درباره امور مالی، تن‌ها به وسیله شوهران گرفته می‌شد. تصمیمات مهم - برای مثال، درباره آموزش کودکان - اغلب به طور مشترک گرفته می‌شد. اما به طور عملی زنان تصمیمی را به تنهایی عهده دار بودند که زن و شوهر هر دو آن‌ها را کم اهمیت و جزیی می‌پنداشتند، مانند انتخاب تزئینات داخلی منزل (Edgell: 1980). آبوت و والاس^۲ بنا بر پژوهش ادکل گزارش کرده‌اند که تصمیم‌گیری کم اهمیت‌تر مانند تهیه غذا یا خرید پوشاک بچه‌ها با زنان است، در حالی که تصمیم‌گیری‌های مهم نظیر تغییر محل سکونت را مردان می‌گیرند (آبوت و والاس: ۱۳۸۰: ۱۲۸).

¹. Collins

². Abbot and Wallace

مطالعه تقسیم کار خانگی، یکی از موضوع‌های مهم در حوزه مطالعات خانواده می‌باشد. زنان، عمده کارهای خانگی را برعهده دارند (Pittman & Balnchart; Colrtane: 2000) بحث تقسیم کار خانگی با متغیرهایی چون قدرت در خانواده، نابرابری جنسیتی و... مرتبط است (Diefenbach: 2002).

نتایج تحقیق زاهد زاهدانی و همکاران با عنوان «بررسی امکانات و مشکلات اشتغال زنان در شهرستان شیراز» چنین است: در خانواده‌هایی که زنان شاغل هستند، تصمیم‌گیری عموماً به وسیله زن و شوهر به طور مشترک انجام می‌گیرد. در خانواده‌هایی که زنان خانه‌دار می‌باشند، تقسیم وظیفه‌ای در مورد تصمیم‌گیری در مورد اموری که به سرنوشت خانواده بستگی دارد بیشتر به مردان مربوط می‌شود، اما در اموری که به اداره منزل و تحصیل فرزندان مربوط است، زنان نقش اصلی دارند (زاهد زاهدانی و همکاران: ۱۳۷۱). نتایج حاصل از تحقیق جوادی دوست نشان می‌دهد که (در خانواده زنان شاغل) در زمینه ادامه تحصیل فرزندان، در مورد خرید خانه و در رابطه با مخارج خانه، زنان شاغل بیش از زنان خانه‌دار در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دارند (جوادی دوست، ۱۳۷۹: ۸۹).

یافته‌های پژوهشی در زمینه بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی ایرانیان نشان می‌دهد که ۴۶/۳٪ از مردان و ۳۲/۶ درصد از زنان مخالف کار کردن زنان بوده‌اند (محسنی: ۱۳۷۹). در تحقیق دیگر، ۶۰ درصد از زنان خانه‌دار و ۷۰ درصد از زنان شاغل تأیید کرده‌اند که اگر همسران آن‌ها راضی نباشند، آن‌ها نمی‌توانند به کار اشتغال داشته باشند (سفیری: ۱۳۸۰: ۱۸). نتایج پژوهش‌ها و آمار موجود بیان‌گر مشارکت پایین‌تر زنان نسبت به مردان در عرضه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور می‌باشد؛ به عنوان مثال، میزان مشارکت نیروی زنان در فعالیت‌های اقتصادی طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۰ با یک روند افزایشی از ۸/۲ درصد به ۱۱/۸ درصد بالغ شده است، در حالی که در طی همین سال‌ها مشارکت مردان بین ۶۸/۴ تا ۶۲/۱ درصد نوسان بوده است (هاشمی: ۱۳۸۱: ۲۲۴).

تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی به نحوه تقسیم کار خانگی میان زنان و مردان متأهل کرمان اشاره کرده و آمده است: «کارهای مربوط به درون خانه بیش‌تر بر دوش زنان و کارهای بیرون خانه بیشتر بر عهده مردان است. ۴۸/۸ درصد زنان به تهیه غذا می‌پردازند، اما در فعالیت‌هایی مانند تأمین مخارج زندگی، انجام امور مربوط به بیرون خانه و خرید ملزومات زندگی، مردان بیش از زنان نقش دارند» (احمدی، ۱۳۸۳: ۲۲). تحقیقی در سال ۱۳۸۳ با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر میزان قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده» به وسیله علی‌امامی نصیر محله صورت گرفته است. سؤال اصلی این پژوهش این است که «چه عواملی بر میزان قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده تأثیر دارد». متغیرهای مستقل فرضیه‌های تحقیق عبارت‌اند از وضعیت اشتغال، منزلت شغلی، میزان درآمد، میزان تحصیلات، میزان اعتقاد به کلیشه‌های جنسیتی، فاصله سنی زوجین، طول مدت ازدواج، تعداد فرزندان، میزان قدرت مادر پاسخ‌گو در خانواده، میزان علاقه شوهر به همسر در نظر گرفته شدند. نتایج حاکی از معنادار بودن رابطه میان درآمد، میزان تحصیلات، میزان اعتقاد به قالب‌های جنسیتی، و تعداد فرزندان و قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده است. اما میان وضعیت اشتغال، منزلت شغلی، فاصله سنی زوجین، طول مدت ازدواج، میزان قدرت مادر

پاسخ‌گویان و میزان علاقه شوهر به همسر و قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده رابطه معناداری یافت نشد (امامی نصیر محله‌ای: ۱۳۸۳).

گروسی در تحقیق «بررسی تأثیر باورهای قالبی بر نابرابری جنسیتی مورد مطالعه شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن» عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی، به ویژه عوامل ایدئولوژیک و عقاید قالبی، را بررسی کرده است. نمونه مورد پژوهش ۶۸۲ نفر از زنان متأهل ساکن شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در این منطقه نابرابری جنسیتی به گونه‌ای محسوس وجود دارد. مهم‌ترین عوامل مؤثر نابرابری جنسیتی در خانواده چنین بوده است: سطح تحصیلات مرد و زن، سن زن و مرد، محل سکونت، تعداد اعضای خانواده، جامعه‌پذیری جنسیتی، ایفای نقش جنسیتی، ایدئولوژی جنسیتی، عقاید قالبی جنسیتی و ... که در ارتباط با متغیر وابسته نابرابری جنسیتی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. این پژوهش نشان داد که بیشتر زنان به عقاید قالبی که زنان را ضعیف، وابسته، ناتوان، بی‌صلاحیت، احساساتی و غیر منطقی می‌داند، باور دارند (گروسی: ۱۳۸۴).

روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از روش پیمایشی در کنار تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات، به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته است. با استفاده از ابزار پرسش‌نامه مصاحبه انجام گرفته است. از ضریب همبستگی و رگرسیون چند متغیره، برای تحلیل روابط متغیرها و آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. واحد تحلیل: در این بررسی واحد تحلیل، خانواده است. واحد مشاهده: فرد مشاهده است.

ابزار مشاهده: با استفاده از ابزار پرسش‌نامه مصاحبه انجام گرفته است. حجم ازدواج و روش ازدواج‌گیری: بر اساس آمار تخمینی موجود در شهر جدید بهارستان حدود ۱۵۰۰۰ خانوار وجود دارد که بر اساس فرمول حجم ازدواج کوکران، تعداد ۲۰۰ نفر برآورد شده است. روش ازدواج‌گیری تصادفی ساده می‌باشد.

اعتبار و روایی تحقیق

اعتبار: تحقیق حاضر مبتنی بر اعتبار صوری است. روایی: برای تعیین روایی شاخص‌ها از آلفای کرون باخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرون باخ شاخص مشارکت خانوادگی برابر ۰/۸۲ و پایگاه اقتصادی - اجتماعی مساوی ۰/۷۶ بوده است.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی، ویژگی‌های ازدواج، محل سکونت، قومیت و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی رابطه معنادار آماری وجود دارد.

از فرضیه اصلی، فرضیه‌های زیر آزمون می‌شود: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی رابطه معنادار آماری وجود دارد؛

بین مدت ازدواج و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی رابطه معنادار آماری وجود دارد؛

بین نوع ازدواج و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی رابطه معنادار آماری وجود دارد؛ بین قومیت و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی رابطه معنادار آماری وجود دارد؛ بین محل سکونت و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی رابطه معنادار آماری وجود دارد.

تعریف مفاهیم

مشارکت. فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت را، کنش یا واقعیت شرکت داشتن و سهم داشتن معنا کرده است. اصطلاح مشارکت را آلن بیرو به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن تعریف کرده است (بیرو: ۱۳۶۶: ۲۵۷). از منظر جامعه‌شناختی، مشارکت نوعی فرایند تعاملی چند سویه است. مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی. منظور میزان دخالت و نقش زنان در کلیه تصمیم‌گیری‌های خانوادگی می‌باشد. پایگاه اقتصادی - اجتماعی. بر اساس متغیرهای اشتغال، تحصیلات و درآمد فرد پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخ‌گویان مورد سنجش قرار می‌گیرد. ویژه‌گی‌های ازدواج: نوع ازدواج، مدت ازدواج، سن زوجین، سن هنگام ازدواج زوجین نوع ازدواج: ازدواج فامیلی یا ازدواج غیر فامیلی مورد نظر است. قومیت: وابستگی قومی فارس، ترک، کرد، بلوچ و لحاظ شده است. محل سکونت: محل سکونت هنگام ازدواج زوجین که مستقل یا پدر مکان می‌باشد، مورد نظر است.

یافته‌ها

توصیف متغیرها

متغیرهای مستقل: ۵۰ درصد پاسخ‌گویان زن و ۵۰ درصد مرد می‌باشند. ۶۱٪ از پاسخ‌گویان قومیت فارس و بقیه قومیت غیرفارس داشتند. قومیت غیرفارس متشکل از ۲۰٪ لر، ۱۵/۵٪ ترک، ۱/۵٪ عرب و ۲٪ کرد می‌باشد. ۳۵/۵٪ از پاسخ‌گویان ازدواج فامیلی و ۶۴/۵٪ دارای ازدواج غیر فامیلی بوده‌اند. ۸۶ درصد از پاسخ‌گویان، متولد شهر و ۱۴ درصد متولد روستا بوده‌اند. ۶۱/۵٪ از پاسخ‌گویان زن دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، ۲۲/۵٪ متوسط و ۱۰٪ بالا بوده‌اند، در حالی که ۱۰٪ از مردان پاسخ‌گو دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، ۴۹٪ متوسط و ۳۵٪ بالا بوده‌اند. ۲/۵٪ از پاسخ‌گویان مرد و ۳٪ از پاسخ‌گویان زن، بی‌سواد، ۴۸/۵٪ از پاسخ‌گویان مرد و ۴۱٪ از پاسخ‌گویان زن دارای تحصیلات دیپلم، ۱۲/۵٪ از پاسخ‌گویان مرد و ۸٪ از پاسخ‌گویان زن لیسانس بوده‌اند. تقسیم کار خانگی: در مورد تقسیم کار خانگی، ۷۲٪ از پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که نظافت منزل به عهده زن است و فقط ۱۲/۵٪ به طور مشترک (زن و مرد) نظافت منزل را به عهده دارند. ۸۰/۵٪ پختن غذا به عهده زن و صرفاً ۵٪ به عهده مرد بوده است. ۸٪ از پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند غذا به طور مشترک به وسیله زن و شوهر پخته می‌شود. ۴۵/۵٪ از زنان پاسخ‌گو، ۸/۵٪ از مردان پاسخ‌گو و ۲۵/۵٪ به صورت مشترک به وسیله زن و مرد، رسیدگی به درس فرزندان را به عهده دارند.

مشارکت در امور مالی: ۴۵/۵٪ از پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که زنان اصلاً در امور مالی خانواده مشارکت ندارند، ۲۵٪ از زنان پاسخ‌گو دارای مشارکت کم و ۲۵٪ مشارکت زیاد داشته‌اند.

جدول ۲: توزیع نظر پاسخ‌گویان در مورد نقش اعضای خانواده در تقسیم کار خانگی

بدون پاسخ	زن و فرزند	زن و مرد و فرزندان	زن و مرد	فرزندان	مرد	زن	گزینه
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
	۴/۵٪	۸/۵٪	۱۲/۵٪	۲٪	۰/۵٪	۷۲٪	نظافت
۷٪	—	۱٪	۴۹/۵٪	—	۱/۵٪	۴۱٪	تربیت فرزندان
۰/۵٪	۴٪	۴/۵٪	۸٪	۲٪	۰/۵٪	۸۰/۵٪	پختن غذا
۱٪	۰/۵٪	۳٪	۲۸/۵٪	—	۳۱٪	۳۶٪	خریدهای روزمره
۰/۵٪	۳٪	۱۱٪	۳۹/۵٪	۲٪	۱٪	۴۳٪	پذیرایی از مهمان
۱۲/۵٪	۱/۵٪	۱/۵٪	۲۵/۵٪	۵٪	۸/۵٪	۴۵/۵٪	رسیدگی به درس فرزندان

متغیر وابسته (مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی): مطابق جدول ۳ بالاترین درصد تصمیم‌گیری در مورد نوع پخت غذا (۷۱٪)، خریدهای روزمره (۵۷/۵٪) و تزئینات منزل (۵۴/۵٪) به عهده زنان پاسخ‌گو بوده است. ۴۲٪ از پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند تصمیم‌گیری در مورد خرید ماشین به عهده مرد خانواده است و فقط در ۵٪ موارد این نوع تصمیم‌گیری به عهده زن می‌باشد. در مورد برخی تصمیم‌گیری‌ها مانند ازدواج فرزندان، تحصیل فرزندان و رفتن به سفر، فرزندان نقش دارند. بیش از نیمی از پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان، تعیین اسم فرزندان، خرید املاک و منزل و رفت و آمدهای خانوادگی به صورت مشارکت زن و مرد انجام می‌گیرد.

جدول ۳: توزیع نظر پاسخ‌گویان بر حسب مشارکت اعضای خانواده در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی

بدون پاسخ	مرد و فرزند	زن و فرزند	زن و مرد و فرزند	زن و مرد	خانواده مرد	فرزند	مرد	زن	تصمیم‌گیری
	—	۳٪	۵/۵٪	۱۵/۵٪	۰/۵٪	۳٪	۱/۵٪	۷۱٪	نوع پخت غذا
	—	۶٪	۷/۵٪	۲۲٪	—	۴/۵٪	۵/۵٪	۵۴/۵٪	تزئینات منزل
۰/۵٪	۱٪	۲/۵٪	۸٪	۴۰٪	۰/۵٪	۱٪	۱۷٪	۲۹/۵٪	خرید لوازم منزل
۱۱/۵٪	—	۱٪	۹/۵٪	۳۳/۵٪	—	۱۱/۵٪	۱۰/۵٪	۲۲/۵٪	تحصیل فرزندان
۱٪	۰/۵٪	۱٪	۱۵/۵٪	۴۵/۵٪	—	۱٪	۲۰/۵٪	۱۵٪	رفتن به سفر
۷/۵٪	—	—	—	۶۶/۵٪	۱٪	۰/۵٪	۱۴٪	۱۰/۵٪	تعداد فرزندان

تعیین اسم فرزندان	۱۳%	۱۷%	-	۳/۵%	۳/۵%	-	-	-	۳%
خرید ماشین	۵%	۴۲%	-	۳۳/۵%	۴/۵%	۰.۵%	-	۱۴/۵%	
ازدواج فرزندان	۵%	۵%	۱۲/۵%	۳۶/۵%	۱۳%	۰.۵%	-	۲۶/۵%	
خرید املاک و منزل	۷%	۲۶%	۰.۵%	۵۲%	۴/۵%	-	-	۸%	
رفت و آمدهای خانوادگی	۱۶%	۱۱/۵%	۱%	۶۰%	۸%	۰.۵%	-	۲%	

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی رابطه معنادار آماری وجود دارد.

جدول ۴: توزیع پاسخ‌گویان بر حسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت خانوادگی

جنسیت	مشارکت پایگاه اقتصادی - اجتماعی	کم	متوسط	زیاد	جمع
زن	پایین	۶۶/۷	۶۶	۶۲/۲	۶۵/۴
	متوسط	۲۲/۲	۲۴/۵	۲۴/۳	۲۳/۹
	بالا	۱۱/۱	۹/۴	۱۳/۵	۱۰/۶
	جمع				۱۰۰
Sig = 0/6					
مرد	پایین	۲۱/۷	۴/۹	۱۲/۸	۱۰/۶
	متوسط	۳۹/۱	۵۶/۳	۵۶/۴	۵۲/۱
	بالا	۳۹/۱	۳۸/۸	۳۰/۸	۳۷/۲
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
Sig = 0/9					

با توجه به سطح معناداری بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت خانوادگی پاسخ‌گویان رابطه معنادار آماری مشاهده نشده است. درصد قابل توجهی از زنان پاسخ‌گو به دلیل برخورداری از میزان کم اشتغال و در نتیجه عدم وجود استقلال مالی به پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین تعلق دارند. ۴۵/۵٪ از زنان پاسخ‌گو اصلاً مشارکت مالی در خانواده ندارند و دسترسی نداشتن به منابع مالی و

درصد قابل توجه عدم اشتغال رسمی زنان پاسخ گو دلیل اصلی تعلق ایشان به پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین است.
 فرضیه دوم: بین مدت ازدواج و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی رابطه معنادار آماری وجود دارد؛
 فرضیه سوم: بین نوع ازدواج و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی رابطه معنادار آماری وجود دارد؛
 فرضیه چهارم: بین قومیت و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی رابطه معنادار آماری وجود دارد؛
 فرضیه پنجم: بین محل سکونت و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی رابطه معنادار آماری وجود دارد.

جدول ۵: توزیع پاسخ‌گویان برحسب مدت ازدواج، قومیت، نوع ازدواج و مشارکت خانوادگی

میزان همبستگی	مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی			طبقات	خصوصیت پاسخ‌گویان
	زیاد	متوسط	کم		
Sig=0/02 Gama=-/244	۳۷	۳۳/۳	۲۹/۶	۲-۶	مدت ازدواج
	۲۶/۹	۵۵/۶	۱۴/۸	۷-۱۱	
	۴	۷۰	۱۰	۱۲-۱۶	
	۲۰/۸	۶۲/۵	۱۶/۷	۱۷-۲۱	
	۱۴/۷	۵۴/۹	۳۰/۴	+۲۲	
Sig=/4	۲۳/۸	۵۲/۵	۲۳/۸	فارس	قومیت
	۱۶/۷	۵۷/۷	۲۵/۶	غیر فارس	
Sig=0/03 V=0/2	۲۲/۵	۶۳/۴	۱۴/۱	فامیلی	نوع ازدواج
	۲۰/۲	۴۹/۶	۳۰/۲	غیر فامیلی	
Sig=.6	۱۵/۷	۵۵/۷	۲۸/۶	خانواده همسر	محل سکونت هنگام ازدواج
	۲۵/۹	۵۰	۲۴/۱	خانواده پدری	
	۲۲/۷	۵۶	۲۱/۳	مکان مستقل	

با توجه به جدول ۵ بین مدت ازدواج و مشارکت خانوادگی رابطه معنادار آماری وجود دارد. درصد مشارکت قوی زنان پاسخ‌گویی که در سال‌های اولیه ازدواج (۲-۶) بوده‌اند، ۳۷٪ است که در طبقات

دیگر دیده نمی‌شود. وضعیت تحصیلی و شغلی متفاوت این پاسخ‌گویان و همسران آن‌ها عامل مهم این مشارکت محسوب می‌شود. در سال‌های هفتم تا بیست و یکم ازدواج از درصد مشارکت ضعیف و قوی کاسته شده است و روند مشارکت ضعیف و قوی در مقایسه با مدت ازدواج ۶-۲ سال کاهش یافته است. مشارکت خانوادگی زنان در سال‌های میانی ازدواج بیشتر در سطح متوسط است. درصد کاهش مشارکت از سال هفدهم ازدواج دوباره رو به افزایش رفته است. پاسخ‌گویانی که ۲۲ سال و بیشتر از زمان ازدواج شان می‌گذرد، بالاترین درصد (۳۰/۴) مشارکت ضعیف را داشته‌اند.

بین قومیت و مشارکت خانوادگی زنان رابطه معنادار آماری وجود نداشته است. گرایش‌های مشارکت طلبانه در روابط زن و مرد در خانواده، متأثر از خرده فرهنگ قومی پاسخ‌گویان نبوده است. بین نوع ازدواج و مشارکت خانوادگی زنان رابطه معنادار آماری وجود داشته است. زنان پاسخ‌گویی که ازدواج غیر فامیلی داشته‌اند بیشتر از آن‌هایی که ازدواج فامیلی داشته‌اند، مشارکت نشان داده‌اند. همچنین بین محل سکونت هنگام ازدواج و مشارکت رابطه معنادار آماری وجود نداشته است.

تحلیل رگرسیون اثرات متغیرهای مستقل بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی

برای بررسی تاثیر هم‌زمان متغیرها بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و تعیین میزان تأثیر آن‌ها از تحلیل رگرسیون چند گانه به روش گام به گام استفاده گردیده است. متغیرهای مستقل تحصیلات مرد و زن، محل تولد زن و مرد، درآمد مرد و زن، شغل مرد و زن، سن زن و مرد، سن هنگام ازدواج زن و مرد، نوع ازدواج، قومیت، محل سکونت هنگام ازدواج و مدت ازدواج بوده است. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که از بین تمام متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند، متغیرهای مدت ازدواج، محل سکونت، سن، شغل مرد، سن هنگام ازدواج مرد، به ترتیب بیشترین تأثیر را بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی نشان دادند و در معادله باقی ماندند.

جدول ۶ نشان دهنده ضرایب رگرسیونی و متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته است. ضریب همبستگی چندگانه مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی معادل $R = 0.717$ می‌باشد. پنج متغیر مذکور در مجموع می‌توانند ۵۱ درصد از تغییرات مشارکت خانگی زنان را تبیین کنند. مقایسه ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که مدت ازدواج بیشترین سهم را در تغییرات متغیر وابسته دارد. معادله رگرسیونی عبارت است از:

$$Y = 2/24 - /55(\text{مدت ازدواج}) - /53(\text{محل سکونت}) + /52(\text{سن}) - /412(\text{شغل مرد}) + /41(\text{سن مرد هنگام ازدواج})$$

جدول ۶ تحلیل چند متغیری مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی

Sig	B	ضرایب متغیرها
۰/۰۰۱	۲/۲۴	ثابت
۰/۰۴	-/۴۱۲	شغل مرد
۰/۰۳	-/۵۵	مدت ازدواج
۰/۰۵	/۴۱	سن هنگام ازدواج مرد
۰/۰۰۳	-/۵۳	محل سکونت
/۰۱	/۵۲	سن

R=0/717 SIG=0/00

نتیجه‌گیری

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که نحوه تقسیم کار خانگی در مورد نظافت منزل، پختن غذا و تا حدودی رسیدگی به درس فرزندان، به صورت الگوی سنتی انجام می‌شود. هنوز عمده کار خانگی به عهده زنان است.

در تقسیم کار خانگی، زنان وظایف زمان بری همچون تمیز کردن منزل، پخت و پز، شستشوی لباس را انجام می‌دهند که به طور عمده فشار زیادی به آن‌ها وارد می‌کنند (Coltane, ; Bamett & Shen, 1997). نتایج تحقیق سراج زاده و جواهری حاکی از آن است که دیدگاه دانشجویان در مورد نحوه تقسیم کار میان زنان و مردان در انجام دادن امور خانه تا حدودی با دیدگاه سنتی که نقش‌های خانه‌داری را به زنان و نقش‌های اقتصادی را به مردان نسبت می‌دهد، مطابقت دارد. این تطابق به ویژه در مورد پخت و پز و تعمیر لوازم خانه مشهود است (سراج زاده و جواهری: ۱۳۸۵). تفاوت قابل توجه پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخ‌گویان زن و مرد از عوامل تاثیرگذار بر نحوه تقسیم کار خانگی محسوب می‌شود. بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت خانوادگی پاسخ‌گویان رابطه معنادار مشاهده نشده است. همان‌گونه که وبر موقعیت طبقاتی را ناشی از موقعیت در بازار کار می‌داند و معتقد است که طبقه مفهومی مردانه است و زنان جایگاهی در آن ندارند (ابوت و والاس: همان). درصد قابل توجهی از زنان پاسخ‌گو به دلیل عدم اشتغال و درآمد، به پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین تعلق دارند. از مهم‌ترین دلایل تفاوت پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخ‌گویان زن و مرد، تفاوت میزان اشتغال و درآمد زنان در مقایسه با مردان می‌باشد. مطابق الگوی وایت برای بیان وضعیت مشارکت اسمی زنان، وضعیت مشارکت بالای زنان پاسخ‌گو در بسیاری از موارد از جمله در مورد نوع پخت غذا، خریدهای روزمره و تزئینات منزل، وضعیت مشارکت اسمی است و کارکرد نمایشی دارد. ۴۵/۵٪ از زنان پاسخ‌گو اصلاً مشارکت مالی در خانواده ندارند. ۴۲٪ از پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند تصمیم‌گیری در مورد

خرید ماشین به عهده مرد خانواده است و فقط ۵٪ این نوع تصمیم‌گیری را به عهده زن می‌باشد. اگر چه بیش از نیمی از پاسخ‌گویان در مورد مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی اظهار داشته‌اند که تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان، تعیین اسم فرزندان، خرید املاک و منزل و رفت و آمدهای خانوادگی به صورت مشارکتی به وسیله زن و مرد انجام می‌گیرد، دسترسی نداشتن به منابع مالی و عدم اشتغال رسمی زنان پاسخ‌گو از مهم‌ترین دلایل مشارکت پایین زنان در تصمیم‌گیری‌های مهم است. در همه کشورها تقسیم جنسیتی نقش‌ها وجود دارد. اما نوع و میزان تقسیم جنسیتی نقش‌ها متفاوت است. در خانواده‌هایی که در آن زن تحصیل کرده است و یا زن و مرد هر دو شاغل هستند، میزان تصمیم‌گیری‌های مشارکتی و نیز انجام مشارکتی امور خانه افزایش یافته است. نتایج تحقیق رستگار خالد نشان داده است که در الگوی تقسیم جنسیتی نقش‌های خانوادگی و شغلی در خانواده‌های هر دو شاغل، توزیع نقش مجدد به صورت ملایم صورت پذیرفته است، زیرا مردان نیز سهمی هر چند اندک از ایفای انتظارات نقش خانوادگی را پذیرفته‌اند و زنان نیز فرصت یافته‌اند تا خارج از چارچوب وظایف خانوادگی، به ایفای نقش شغلی و انتظارات ناشی از آن بپردازند و به این ترتیب به جهت زنان برای ترکیب نقش‌های دوگانه خود، در این گونه خانواده‌ها در قیاس با خانواده‌های سنتی توزیع تفکیکی نقش‌های خانوادگی بر پایه جنسیت تعدیل شده است که ناشی از افزایش اقتدار زن در خانواده در سایه اشتغال درآمدزا می‌باشد (رستگار خالد: ۱۳۸۵: ۱۹۸). در مورد برخی تصمیم‌گیری‌ها مانند ازدواج فرزندان، تحصیل فرزندان و رفتن به سفر، فرزندان نقش دارند.

بین مدت ازدواج و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی رابطه معنادار وجود داشته است. به عبارت دیگر زنان نسل‌های گذشته در مقایسه با زنان نسل جدید که مدت کمی از ازدواج آن‌ها می‌گذرد، مشارکت کمتری در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی داشته‌اند. درصد مشارکت زیاد زنان پاسخ‌گویی که در سال‌های اولیه ازدواج (۶-۲) بوده‌اند، ۳۷٪ است که در طبقات دیگر دیده نمی‌شود. بررسی تاثیر متغیر تحصیلات زن و مرد و طول مدت ازدواج بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی، نشان داد که تحصیلات زن بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی تاثیری ندارد و بین این دو متغیر رابطه معنادار آماری مشاهده نشد. اما تحصیلات مرد بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی تاثیر دارد. وضعیت تحصیلی و شغلی مردان پاسخ‌گو، عامل مهم مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی محسوب می‌شود. تحصیلات مردان، زمینه تغییر نگرش آنان و آمادگی برای پذیرش هنجارهای جدید را فراهم می‌کند که در نتیجه باعث افزایش مشارکت مردان در انجام کارهای خانه و تغییر در الگوی تقسیم کار خانگی و افزایش مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های مهم خانوادگی و در نهایت، عامل تغییر در الگوی تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و تعدیل ساختار هرم قدرت مردسالارانه در خانواده می‌شود. نتایج تحقیق منصوریان و قادری در سال ۱۳۸۱ نشان می‌دهد که با افزایش تحصیلات مردان، اعمال قدرت آن‌ها در خانواده کاهش پیدا کرده است و همچنین

تشریک مساعی آن‌ها در انجام کارهای خانه تا حدودی افزایش پیدا می‌کند. به این ترتیب می‌توان گفت که تحصیلات مردان یکی از متغیرهای تأثیرگذار در تعدیل ساخت قدرت مردسالارانه می‌باشد (منصوریان و قادری: ۱۳۸۱).

بررسی تاثیر متغیر اشتغال زن و مرد و مدت ازدواج بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی، نشان داد که اشتغال زن بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی تأثیری ندارد و بین این دو متغیر رابطه معنادار آماری مشاهده نشد. اما اشتغال مرد بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی تأثیر دارد. بر اساس دیدگاه اینگلهارت متغیرهای تحصیلات رسمی، موقعیت اجتماعی - اقتصادی، تجربه‌های شغلی و ... بر افزایش مشارکت تاثیر گذاشته‌اند. در این تحقیق بالاترین درصد (۳۰/۴) مشارکت کم به پاسخ‌گویی که ۲۲ سال و بیشتر از زمان ازدواج آن‌ها می‌گذرد، اختصاص داشته است که نشان دهنده الگوی مردسالاری قوی‌تر در مقایسه با پاسخ‌گویی که در سال‌های اولیه ازدواج (۲-۶) بوده است. سطح تحصیلات مردان پاسخ‌گویی که ۶-۲ سال از ازدواج شان می‌گذرد، در مقایسه با سایر طبقات بالاتر می‌باشد. منزلت شغلی مردان نسل جدید در مقایسه با مردانی که طول مدت ازدواج بالایی دارند، متفاوت است. این تفاوت باعث اعمال قدرت کمتر مردان در خانواده و مشارکت بیشتر زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی شده است.

بین نوع ازدواج و مشارکت خانوادگی رابطه معنادار وجود داشته است. مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی در ازدواج غیر فامیلی در مقایسه با ازدواج فامیلی بیشتر بوده است. بررسی تأثیر متغیر تحصیلات زن و نوع ازدواج بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی نشان داد که سطح تحصیلات زنان در ازدواج غیر فامیلی به صورت معناداری بالاتر از سطح تحصیلات زنان در ازدواج فامیلی است که باعث افزایش مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی در ازدواج‌های غیر فامیلی شده است. پاسخ‌گویان با ازدواج فامیلی در مقایسه با پاسخ‌گویان ازدواج‌های غیر فامیلی، بیشتر از الگوی سنتی تقسیم کار خانگی و تصمیم‌گیری‌های خانوادگی تبعیت می‌کردند. بین قومیت و مشارکت خانوادگی زنان رابطه معنادار آماری وجود نداشته است. نتایج تحقیق سراج زاده و جواهری نیز به نتیجه مشابه در مورد رابطه بین قومیت و برابری گرای جنسیتی رسیده است. به عبارت دیگر گرایش‌های مساوات طلبانه از خرده فرهنگ قومی پاسخ‌گویان تأثیر نمی‌پذیرد (سراج زاده و جواهری: همان). هم‌چنین بین محل سکونت هنگام ازدواج و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی رابطه معنادار آماری وجود نداشته است. متغیر محل سکونت هنگام ازدواج در کنار سایر متغیرها (مدت ازدواج، سن مرد هنگام ازدواج، سن، شغل مرد) تأثیر معنادار بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی داشته است.

نتایج تحلیل رگرسیون چند گانه نشان داد که از بین تمام متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند، متغیرهای مدت ازدواج، محل سکونت، سن، شغل مرد و سن مرد هنگام ازدواج، به ترتیب بیشترین

تأثیر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی نشان داده‌اند. اگر چه تحصیل و اشتغال زنان افزایش پیدا کرده است، اما همچنان الگوی سنتی تقسیم کار خانگی و تصمیم‌گیری، الگوی مسلط در خانواده است. زیرا بر اساس رهیافت کالینز، انسان‌ها در جهان‌های ذهنی خود ساخته‌ای زندگی می‌کنند که قدرت تاثیرگذاری یا حتی نظارت بر تجربه ذهنی افراد دیگر را دارند و می‌کوشند افراد دیگری را که با آن‌ها مخالفت می‌کنند، تحت نظارت خودشان در آورند. مردان همچنان بر اساس جهان‌های ذهنی خود ساخته می‌کوشند تا زنان را که در حال تجربه کردن مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مهم خانوادگی هستند، تحت نظارت خودشان در آورند. مدت ازدواج، محل سکونت، سن، شغل مرد و سن مرد هنگام ازدواج از متغیرهای مهم تأثیر گذار بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی بوده است که به نوعی تمام متغیرهای مذکور، به صورت مستقیم (شغل مرد، سن مرد هنگام ازدواج) و یا غیر مستقیم (مدت ازدواج، محل سکونت، سن) تحت تاثیر موقعیت و وضعیت مردان در خانواده می‌باشد. مشارکت بیشتر زنان در تصمیم‌گیری‌های مهم خانوادگی مستلزم بستر سازی برای تغییر نگرش و پذیرش هم‌زمان زنان و مردان جامعه است. این بستر سازی، نیازمند بازنگری در فرایند جامعه پذیری دختران و پسران در خانواده است.

منابع:

- آبوت، پاملا و والاس کلر (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی زنان. ترجمه: منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- آبوت، پاملا و والاس کلر (۱۳۸۱) درآمدی بر جامعه‌شناسی (نگرش‌های فمینیستی). ترجمه: مریم خراسانی، حمید احمدی. تهران: دنیای مادر.
- امامی نصیر محله‌ای، علی (۱۳۸۳) «بررسی عوامل مؤثر بر میزان قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶) فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- رستگار خالد، امیر (۱۳۸۴) خانواده - کار - جنسیت، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران.
- ریتزر، جرج (۱۳۸۴) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- زاهدانی، زاهد و سعید جلیل ایران محبوب (۱۳۷۱) بررسی امکانات و مشکلات اشتغال زنان در شهرستان شیراز، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
- سراج زاده، حسن و فاطمه جواهری (۱۳۸۵) برابری گرای جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای و نگرشی مرتبط با آن. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۲.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۰) موانع و مشکلات اشتغال زنان و تاثیر و پیامدهای آن. کار و جامعه، شماره ۳۹.

علافر، صدیقه (۱۳۸۳) "اشتغال زنان و چالش‌های آن"، Available : www.shareh.com.

غفاری، غلامرضا و محسن نیازی، (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی مشارکت، تهران: نشر نزدیک.

گروسی، سعیده (۱۳۸۴) « بررسی تأثیر باورهای قالبی بر نابرابری جنسیتی مورد مطالعه شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن » .

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی. ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) چشم‌اندازهای جهانی. ترجمه: محمد رضا جلائی پور، تهران: طرح نو.

۱۵. مرکز آمار ایران (۱۳۸۶) طرح آمارگیری از نیروی کار.

محسنی، منوچهر (۱۳۷۹) بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران. تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی .

منصوریان، محمدکریم و فرحناز قادری (۱۳۸۱) « عوامل موثر بر ساخت قدرت در خانواده (مورد شهر شیراز)، « مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره سی ام و سی و یکم.

ناجی راد، محمد علی (۱۳۸۲) موانع مشارکت زنان در فعالیتهای سیاسی - اقتصادی ایران پس از انقلاب، تهران: انتشارات کویر.

نبوی، سید عبدالحسین و لیلا احمدی (۱۳۸۶) بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی نمادی در خانواده، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۲.

هاشمی، علی (۱۳۸۱) « اشتغال، مهم‌ترین چالش زنان در جامعه کنونی ایران ». مجموعه مقالات همایش آموزش، اشتغال زنان و توسعه ملی، بابلسر، دانشگاه مازندران.

Abbot, P & C. Wallace (1990) *An Introduction to Sociology: Feminist Perspectives*. New York and London: Routledge.

Barnett, R.C. & Y. Shen. (1997). "Gender, high- and low- schedule- control housework tasks and psychological distress. A study of dual- earner couples." *Journal of Family Issues*, NO 18, pp: 403- 428

Coltrane, S. (2000) " Research on household labor: Modeling and measuring the social embeddedness of routine family work" *Journal of Marriage and the Family*, vol. 62, pp.1208-1233

Diefenbach, H (2002) " Gender ideologies, relative resources, and the division of housework in intimate relationships: A test of hyman Rodman's theory of resources in cultural context". *Internatioanl Journal of Comparative Sociology*, vol. 43, Issue 1. pp: 45-64

Edgell, Stephen R. (1980) *Middle- Class Couples*. London: Allen & Unwin.

Fox, G. J. (1973) "Another look at the comparative resource model: Assessing the balance of power in Turkish families", *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 35 (November). PP: 718-730.

Pittman, J. M. & D. Blanchard. (1996) "The Effect of Work History and Timing of Marriage on the Division of Household Labour." *American Psychologist*, vol. 51. No. 2.

Watt, Sheila et al. (2000) "community participation in the development of services a more towards community empowerment." *Community development journal*. Vol. 35, no. 2, PP: 120-132.